



دپارتمان آموزش توریسم آتالاند

مکمل جزوه آموزشی

واژه های تخصصی زبان انگلیسی راهنمایان



منابع:

۱ - کتاب زبان انگلیسی راهنمایان : منبع آزمون
جامع راهنمایان ایرانگردی و جهانگردی

معماری و متفرقه Architecture & Miscellaneous

accentuate,	با تکیه تلفظ کردن	dome (pyramidal),	گنبد (هرمی)
acinaces(Akinaka),		drum,	درام
adorsed,		embellish,	آرایش
alabaster,		equestrian,	سوارکاری
alcove,	آلاچیق	ewer,	ابریق
altar	محراب	façade,	نما
Arch,	طاق	fluted.	
astodan,	استودان (استخواندان)	flange,	
axe,	تیر	fluted,	
bas-relief,	حجاری و نقوش برجسته	fly-whisk,	
bastion,	سنگر و استحکامات	fresco,	فرسک، نقاشی آبرنگی روی گچ
belfry,	برج ناقوس	gabled roof,	سقف دارای آرایش سه گوش
beveled,		gallery(night, winter),	گالری عکس (شب، زمستان)
bioclimatic,	اقلیمی	griffin,	گریفین
biodegradable	زیست تخریب پذیر	grille,	پنجره مشبک
bow-case,	به حالت تعظیم	gypsum,	گچ
bull-headed,	سر گاو نر	human-headed,	سر انسان
buttress,	حائل، شمع پشتیبان دیوار، وسیله ای برای تحکیم	hypostyle,	دارای سقف مبتنی بر ردیف ستون
canopy,	تاج پوشش	inscription,	کتیبه
capital,	سرمایه	investiture,	سرمایه گذاری، اعطای نشان
casket,	تابوت	lattice,	شبكة
coffer,	صندوق یا تابوت (جعبه جواهرات)	longevity,	طول عمر
colonnade,	ردیف ستون - رواق	lotus,	نیلوفر آبی
column base,	پایه ستون	mace,	گرز
column,	ستون	marble,	سنگ مرمر
concentric,	متحدالمرکز	masonry,	سنگ تراشی
conical,	مخروطی	mausoleum,	آرامگاه، مقبره
corbel,		melon-shaped,	به شکل خربزه
cornice,	کتیبه، گچ بری بالای دیوار و زیر سقف	moat,	خندق
crenellation(crenel or embrasure),		monumental portal,	پورتال به یاد ماندنی
crypt,	دخمه، غار، سرداب	mortar,	
cuneiform,	خط میخی	mosaic,	موزاییک
cupola	گنبد، گنبدی شکل	niche,	تو رفتگی در دیوار، گوشه سازی، (محراب)
dado,		onion-shaped,	(گنبدهای) پیازی شکل
dagge	خنجر	ossuary,	امانت گذاری استخوان مرده،
dome chamber,	اتاقک های گنبدی	panel,	پانل



parasol, سایبان	seminary, حوزه علمیه، علوم دینی
passive-type architecture solutions(wind towers, passive cooling), راه حل های اجرایی معماری (بادگیر، خنک کننده سنتی و منفعل)	shaft, حرم
pavilion(kiosk), کوشک	shrine, حرم
pendant, bit, perambulatory, گلبرگ	spear, نیزه
petal, گلبرگ	spiral, مارپیچ
plinth, ته ستون	squinch, گچ، اندود گچ و سیمان، با گچ سفید کردن
pointed arch, شمشیر	stucco, شمشیر
poly-lobed squinch, مخروطی	sword, مخروطی
portal, پورتال	tapered, تاج و تخت
portico, سردر	throne, تاج و تخت
pulley, قرقره	tomb-tower, برج آرامگاهی
pulpit, منبر	truncated, کوتاه، مرقطع
quiver, به هدف خوردن	tumulus, مقبره
rosette, محراب، پناهگاه	Vault, هلال طاق، گنبد
sanctuary, محراب، پناهگاه	vernacular, بومی
scepter, عصای سلطنتی	verticality, به حالت عمودی
seal, مهر و موم	vestibule, دالان سرپوشیده، هشتی
seat, صندلی، تخت	ziggurat, زیگورات
	zone of transition, منطقه گذار

Ceramics & Tiles سرامیک و کاشی

beads, مهره	
bow, کاسه	
cuerda seca, پیکرنگاری	
fritware, درخشش، درخشندگی، جلا	
iconography, تک رنگ	
luster, لعاب پوشاندن، از رو لعاب دادن، لعاب رو رنگی	
monochrome, رنگدانه	
overglaze, رنگارنگ	
phial, کاشی هفت رنگ	
pigment, seven-colour tiles, کاشی هفت رنگ	
polychrome, splashed ware	
seven-colour tiles, خمیر سنگ	
splashed ware, موزاییک کاشی	
stone-paste, لعاب زیر رنگی	
tile mosaic, Underglaze, لعاب زیر رنگی	



سفالگری Pottery

bake/fire,	پخت / آتش سوزی	pore,	منافذ،
base,	پایه	porous,	متخلخل
bevel,	قسمت چرخنده	pot,	گلدان
beaker,	بشر، پیاله	potter's wheel,	چرخ سفال گری
burial-pot,	زیر خاک کردن-...	pottery(red, grey, buff, painted),	سفال (قرمز، خاکستری، نخودی، نقاشی شده)،
(در اینجا منظور آماده کردن شیء سفالی جهت پخته شدن است)		representational art,	هنر بازنمایی
Elamite pottery,	سفال ایلامی	rhyton,	ریتون
ewer,	ابریق، آبریز	rim,	لبه،
fire-box,		sift,	غربال کردن
flux,	جریان	slip,	لغزش
glaze,	لعاب	spout,	فوران کردن
impermeable,	نفوذ ناپذیر،	stylized,	تلطیف
kiln(reduction, muffled),	کوره (کاهش، خفگی)،	terracotta,	قرمز مایل به قهوه ای
lip,		urn,	کوزه، گلدان یا ظرف محتوی خاکستر مرده،
ooze out,	تراوش کردن	Vessel,	رگ
peg,			
perforation,	سوراخ		

فرش ها Carpets

aluminum sulfate,	سولفات آلومینیوم	nomadic,	عشایری
beater,	قهрман، ایر مرد	pile weave,	
black curd,		pile,	
camp,	اردوگاه	pomegranate skin,	پوست انار
cochineal,	قرمز دانه	Rug, klim, zilo, jajim, gabeh,	فرش، گلیم، زیلو، جاجیم، گبه (اسامی انواع زیر انداز ها)
cutter,	شی برنده، در اینجا چاقوی فرش بافی	saffro	زعفران
decamp,	هزیمت کردن، کوچ کردن	shades of colour,	سایه روشن های رنگ
dye,	رنگزا	straw,	نی
dyestuff	مواد رنگی و رنگریزی	tie a knot (symmetric, asymmetric),	گره زدن (متقارن و نامتقارن)
flat weave,	بافت تخت	trim,	
hook,	قلاب	unripe grape,	انگور نارس
indigo,	نیل (ماده ای رنگی مورد استفاده در رنگریزی سنتی)	urban,	شهری
iron sulfate,	سولفات آهن	walnut skin,	پوست گردو
loom(vertical, horizontal),	بافتندگی (عمودی، افقی)	warp,	تار
madder,	روناس، با روناس رنگ زدن	weft,	پود
mordant,	ماده ثابت کننده		



باغ ایرانی The Persian Garden

aesthetic,	زیبایی شناسی	oasis,	واحه
aqueduct,	قنات	ornamental,	زینتی
bulb,		perimeter,	محیط
channel,	کانال	profane,	بی حرمتی
compartment,	محفظه	quadripartite,	چهار گوش
cross-axes of water,	محور آب متقاطع	reproduce,	تکثیر
cultivar,	رقم	rill,	جوی کوچک
dappled shade		sacred	مقدس
dichotomy,	دوگانگی	shearing	برشی
Enclosure,	محفظه	slope,	شیب و فراز
exotic,	عجیب و غریب	structural,	ساختاری
gradient,	شیب	terraced garden,	
grafting,	پیوند	tripartite,	سه جانبه
lateral,	جانبی	wind break,	باد شکن
murmur,	زمزمه		

دین و عرفان Religion & mysticism

ablution, وضو	decree فرمان
air burial,	deeds, اعمال
ascent, صعود	defile, بی حرمت کردن
ascetic, زاهدانه	destiny, سرنوشت
believer, مؤمن	dispose of, دور از
blaspheme, به مقدسات بی حرمتی کردن	dispossess, خلع ید کردن، محروم کردن
blasphemy, توهین به مقدسات	donate, اهدا
bow, تعظیم	dualism, دوگانگی
Catholicism, کاتولیک	elaborate, استادانه درست شده
celestial, آسمانی	embrace, در آغوش گرفتن
Christianity, مسیحیت	endow, اعطا کردن، وقف
clarify, روشن کردن	fate, سرنوشت
coming of age,	foretell, خشن
concept, مفهوم	Gregorian, میلادی
contemplate, تامل، اندیشیدن، در نظر داشتن	heathen, مشرک
corporeal, مادی، دنیوی	hermit, زاهد گوشه نشین، تارک دنیا



hymn, تسبیح و تمجید گفتن, نیایش
 infidel, کافر
 Judaism, یهودیت
 meditate, تعمق
 monotheism, توحید, یکتا پرستی
 mortal, فانی
 Mystic, عارف
 non-believer, غیر مؤمن
 Orthodox, ارتدوکس
 pardon, آمرزش
 phase, فاز, مرحله
 pilgrimage, زیارت
 polytheism, پرستش خدایان متعدد
 practice, عمل
 pray, دعا
 predict, پیش بینی
 prostration, سجده

Protestantism, مذهب پروتستان
 providence,
 repentance, توبه
 resurrection, معاد
 retreat, عقب نشینی
 rites, آیین, آداب و رسوم, مناسک
 salvation, رستگاری و رهایی
 sanctuary, محراب
 say the prayer, نمازگزاران (در نماز) می گویند
 seek refuge, پناه ببر به
 shed light on, روشن کردن, پرتوافکنی بر
 spiritual, معنوی و روحانی
 terrestrial, زمینی
 unisex,
 unity of god, یگانگی خدا
 vigil, شب زنده داری
 worldly, دنیوی

